

به نام خدای مهربان



# ماجراجویان کهکششان

۵

## پیروزی در زهره

رمان نوجوان - علمی تخیلی



تومی دونبوند • امیرحسین میرزاییان

## پیروزی در زهره

تومی دونبوند

ترجمه‌ی امیرحسین میرزائیان

مدیر هنری و اجرای جلد: حسین نیلچیان

ویراستار: سیما طاهری

زیر نظر شورای بررسی

صفحه‌آرایی: کارگاه گرافیک قاصدک (سید مهدی مظلوم)

لیتوگرافی: گلپا • کد: ۹۵/۶۹۱

چاپ سوم: ۱۳۹۹ • تیراژ: ۱۵۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۰-۸

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای

موسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر محفوظ است.

چاپ سوم

## فهرست

- با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید..... ۴
- جلسه‌ی تمرین کیهان..... ۶
- فصل اول: روایات شکسته..... ۱۰
- فصل دوم: آدم بزرگ‌ها..... ۲۰
- فصل سوم: نظم نوین..... ۲۸
- فصل چهارم: دگرگونی..... ۳۴
- خودآزمایی..... ۴۶
- چگونه از خواندن این کتاب بیشتر لذت ببریم؟..... ۴۷
- درباره‌ی نویسنده..... ۴۸
- پاسخ خودآزمایی..... ۴۸

سرشناسه: دونبوند، تامی Donbavand, Tommy

عنوان و نام پدیدآور: پیروزی در زهره / نویسنده تومی دونبوند؛ مترجم امیرحسین میرزائیان.

مشخصات نشر: تهران: ذکر، کتاب‌های قاصدک.

مشخصات ظاهری: ۴۸ ص: مصور.

فروست: ماجراجویان کهکشان.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۰-۸ . دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۷-۷۸۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Muomen pf maes

موضوع: داستان‌های کودکان (انگلیسی) -- قرن ۲۰م.

شناسه افزوده: میرزائیان، امیرحسین، ۱۳۶۴ - ، مترجم

رده بندی کنگره: PZ۷/۵۸۷پ۹ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴ [ج]

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۷۱۵۱۴



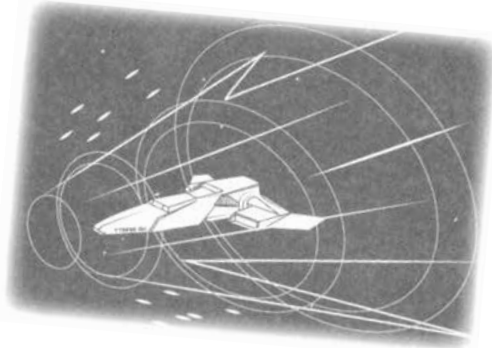
Paper from well managed forests  
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع  
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

## تحت تعقیب



جیزر



سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی

نام: ولت

سمت: دستیار

سن: خیلی خیلی پیر!

اهل سیاره: زهره

کار مورد علاقه: از آگروز

روی شانهاش بخار بیرون بزند و

اعلام کند: «پرش انجام شد!»

وَلت



نام: گاس باستر

سمت: رئیس کیهان

سن: ۱۵

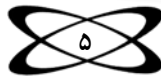
اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: ناگهان روی

صفحه‌ی مانیتور ظاهر شود و

فریاد بزند: «فایربال، کجایی؟»

گاس



## با ماجراجویان کهکشان آشنا شوید

نام: دن فایربال

سمت: فرمانده

سن: ۱۲

اهل سیاره: زمین

کار مورد علاقه: پشت صندلی

فرماندهی پنهان شود و با ترس

بپرسد: «هنوز نرسیدیم؟»

دَن



نام: استرا مون

سمت: افسر ارشد

سن: ۱۱

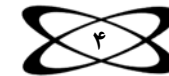
اهل سیاره: ماه

کار مورد علاقه: در مقابل

جیزر بایستد، یک گارد کاراته‌ای

بگیرد و بگوید: «بیا جلو!»


اَسْترا

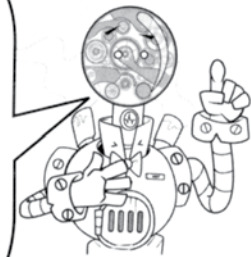




## جلسه‌ی تمرین کیهان

### تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی

درود بر تازه‌واردها!  
اسم من ولت است و معلم سایبری  
امروز شما هستم. اگر می‌خواهید شما  
هم یک مأمور کیهانی  باشید،  
باید تاریخچه‌ی منظومه‌ی شمسی را  
بدانید، پس باید این بخش را بخوانید.



ولت

در آن دوران مشکلات زیادی وجود داشت. بزرگ‌ترها زمین را  
آلوده کرده بودند و بدتر از

همه این که همین کار

را با هشت سیاره‌ی

دیگر منظومه‌ی

شمسی هم کردند.

حقیقت این است

که بزرگ‌ترها

تا مدت‌ها اصلاً

نمی‌دانستند پلوتن

واقعاً یک سیاره است!



تا این که در سال ۲۲۸۱، بچه‌ها کنترل منظومه‌ی شمسی را به  
دست گرفتند.

حالا دیگر بزرگ‌ترها در هجده

سالگی بازنشسته می‌شدند

و بچه‌ها آن‌ها را به خانگی

سالمندانی که در ایستگاه‌های

فضایی ساخته شده بود

می‌فرستادند. بچه‌ها فقط سه سال

در مدرسه می‌ماندند و اکثرشان تا

هشت سالگی، دیگر صاحب شغل

شده بودند.

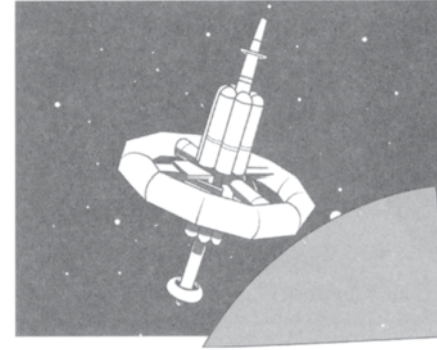


مدت‌ها پیش، بزرگ‌ترها کنترل همه  
چیز را به دست داشتند. تمام شغل‌ها  
مال آن‌ها بود، دولت‌ها را آن‌ها اداره  
می‌کردند و تازه کنترل تلویزیون هم  
همیشه دستشان بود.

بچه‌ها ناچار بودند تا هجده سالگی در  
مدرسه بمانند. آن‌ها مجبور بودند هر  
کاری که پدر و مادرشان می‌گفتند  
انجام دهند. بزرگ‌ترها پول کمی هم  
در اختیار بچه‌ها می‌گذاشتند که به  
آن «پول توجیبی» می‌گفتند.



بدین ترتیب منظومه‌ی شمسی به سرعت به جایی شادتر، امن‌تر و تمیزتر برای زندگی تبدیل شد.



اما همه‌ی بزرگ‌ترها بازنشستگی را در هجده سالگی دوست نداشتند. عده‌ای شورش کردند و از خانه‌ی سالمندان گریختند. آن‌ها شروع کردن به ایجاد دردسر و انجام کارهای خلاف.

برای همین بود که سازمان **کیهان** به وجود آمد:

**کیهان**؛ مخفف این کلمات است:

کمپانی

یافتن

همه

اشتباهات

فابخشودنی

یکی از بدترین این خلافکاران، مردی به نام جیزر بود. هدف **کیهان** این بود که جلوی کارهای خلافش را بگیرد.

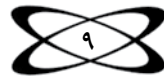


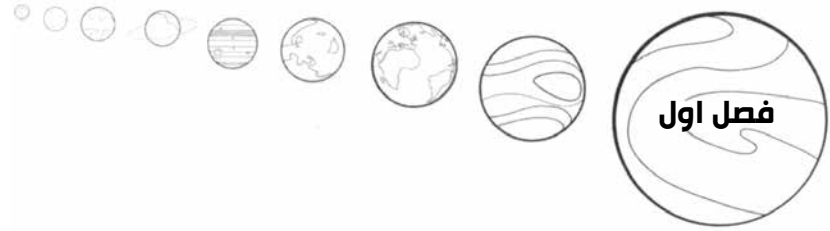
اعضای **کیهان** به همه جای منظومه‌ی شمسی سر می‌زدند تا معماهای پیچیده را حل و بزرگسالان خلافکار را دستگیر کنند. سرنشینان سفینه‌های پرشی **کیهان** می‌توانستند از میان تونل‌های مغناطیسی نامرئی کهکشانی به نام منطقه پرش بگذرند و به دنبال ماجراهای تازه بروند، بنابراین به آن‌ها ماجراجویان کهکشانی می‌گفتند.



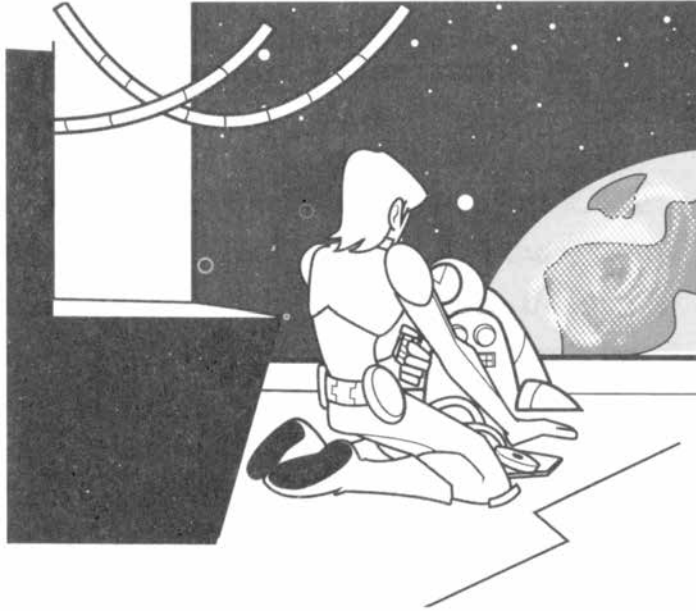
منم در کنار دن فایربال و استرا مون مشهور، عضو تیم ماجراجویان کهکشانی بودم.

حالا اگر ورق بزنید، می‌توانید ماجرای را بخوانید که در آن، من هم بودم و هم نبودم!





اما فرمانده دن فایربال پاسخی نداد. او روی زمین زانو زده بود و به چیزی که پیش رویش بود ور می‌رفت.



## روبات شکسته

**گزارش رسمی وقایع سفرهای  
سفینه‌ی فضایی اچ اس اینفینیتی  
مأموریت پنجم:  
پیروزی در زهره  
گزارش از این قرار است:**

در کابین فرماندهی سفینه‌ی اچ اس اینفینیتی ویژژر کنان باز شد و افسر ارشد، استرا مون، در حالی که یک جعبه ابزار فلزی بزرگ را پشت سرش می‌کشید، به زحمت وارد شد.

او در حالی که دست روغنی‌اش را به پیشانی‌اش می‌مالید گفت: «ولت را این دوروبرها ندیدی؟ فرمانده؟ قرار بود امروز صبح فیلتر موتور چهار را عوض کند، اما پیدایش نشد و مجبور شدم خودم این کار را بکنم.»

استرا با عصبانیت گفت: «دن! پرسیدم ولت را این دوروبرها ندیدی؟»

دن که حواسش از کارش پرت شده بود، سرش را بالا آورد و گفت: «نه، من ... ام م... خوب، راستش او را دیدم، اما نه...» او دوباره مشغول کارش شد.

